



A critique and evaluation of the article "Yusuf and Zulaikha" in the Leiden encyclopedia

Keyvan Ehsani¹
Farhad Amraei²
Reza Mollazadeh Yamchi³

Abstract

One of the common stories narrated in the Holy Quran and the Old Testament (Torah), is the story of Yusuf and Zulaikha. Various angles of this story such as: Zulaikha's plan to deceive Yusuf (AS), and the way of Yusuf confronting Zulaikha, etc. have been stated in some works of Orientalists, including the article "Yusuf and Zulaikha" written by "Angelika Neuwirth", a German professor of Quranic studies, in the "Leiden encyclopedia". There are some shortcomings and incompatibility in those works with the Holy Quran such as: confirmation of the inherent nature of deceitful behavior in women, Yusuf's deviation and complete lack of attention to God, and Yusuf's sexual desire to Zulaikha, etc. Therefore, in the following article, an attempt has been made with a descriptive-analytical method, in addition to the necessity of answering the doubts and challenging the mentioned views. These results have also been obtained that according to the verses of the Holy Quran, there is no evidence in the Quran or even in hadith that confirm innate deceitfulness of the women. As for the prophet Yusuf (A.S) regarding Zulaikha's evil plan, in addition to his previous innocence and lack of will and desire to commit a sin, has never neglected for a moment remembrance of God, the Almighty, not in the scene that Zulaikha had prepared to harass him, nor in the other events and incidents that happened to him in this story.

Keywords: Leiden's Qur'an Encyclopedia, Yusuf and Zulaikha, Quranic Verses, Angelika Neuwirth.

¹ Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Arak University, | Iran k-ehsani@araku.ac.ir

² Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Arak University; Iran (responsible author) | farhadamraei@gmail.com.

³ Ph.D. student of Hadith Sciences and Quran, Ferdowsi University of Mashhad; Iran | reza.mollazadehyamchi@um.ac.ir



نقد و ارزیابی مقاله «یوسف و زلیخا» در دائره المعارف لیدن

کیوان احسانی^۱

فرهاد امرایی^۲

رضا ملازاده یامچی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ | تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

چکیده

داستان یوسف (ع) و زلیخا از جمله قصص مشترک قرآن کریم و عهد قدیم (تورات) است که به گزارش و روایت آن پرداخته شده است. زوایای مختلف این داستان مانند: نقشه‌ی زلیخا برای به دام انداختن یوسف (ع)، نحوه مواجهه‌ی یوسف (ع) با زلیخا و... در برخی از آثار مستشرقان از جمله مقاله «یوسف و زلیخا» نوشته «آنجلیکا نیورت»، قرآن پژوه آلمانی، «در دائره‌المعارف لیدن» مورد پژوهش قرار گرفته و در آن کاستی و نسبت‌های غیرسازگاری با قرآن کریم از قبیل: تأیید ذاتی بودن رفتار فریبکارانه در زنان، انحراف و عدم توجه کامل یوسف (ع) به خداوند، تمایل جنسی یوسف (ع) به زلیخا و... وجود دارد؛ از این رو در نوشتار پیش رو تلاش شده است با روش توصیفی-تحلیلی علاوه بر ضرورت پاسخ دهی به شبهات و به چالش کشاندن دیدگاه‌های مذکور، این نتایج نیز به دست آمده است که با توجه به آیات قرآن کریم، هیچ شاهد قرآنی و حدیثی مبنی بر فریب‌گر بودن ذاتی زنان وجود نداشته، حضرت یوسف (ع) در ماجرای نقشه‌ی شیطانی زلیخا، علاوه بر عصمت پیشگی و عدم تمایل و اراده در ارتکاب معصیت، هرگز در صحنه‌ای که زلیخا برای کامیابی از وی تدارک دیده بود و همچنین تمام اتفاقات و حوادث دیگری که در این داستان برای او پیش آمده، لحظه‌ای از ذکر و یاد خداوند غفلت نورزیده است.

واژه‌های کلیدی: دائره‌المعارف قرآن لیدن، یوسف و زلیخا، آیات قرآن، آنجلیکا نیورت.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک؛ ایران | ir.k-ehsani@araku.ac

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک؛ ایران (نویسنده مسئول) | farhadamraii@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم و قرآن حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد؛ ایران | reza.mollazadehyamchi@um.ac.ir

۱. مقدمه

ضرورت آشنایی و پژوهش پیرامون آثار و تحقیقات پژوهشی مستشرقان و خاورشناسان از جمله فعالیت‌های علمی اجتناب‌ناپذیری است که بر هیچ فردِ مطلعی پوشیده نیست؛ چرا که در برخی از موارد این فعالیت‌های علمی غالباً با حمایت دولت‌های غربی و کلیساها یا انگیزه‌های گوناگونی از قبیل: تبشیر مسیحیت، مسائل سیاسی و القاء شبهات در ضروریات و معارف اسلامی و... انجام شده است. از جمله آثار مهم در این زمینه، مطالعات و پژوهش‌های قرآنی دایره المعارف بزرگ قرآن لیدن است که سرور استاری آن برعهده «جین دمن مک اولیف»، استاد دانشگاه جرج تاون (آمریکا)، است. این اثر قرآنی توسط انتشارات بریل در شهر لیدن هلند مورد حمایت قرار گرفت. یکی از مقالاتی که در این در جلد نخست این کتاب به نگارش در آمده است؛ مقاله‌ی «یوسف و زلیخا» تألیف «آنجلیکا نیویورت» بوده که با دقت نظر در مطالعات قرآنی او و همچنین تعدادی دیگری از مستشرقان می‌توان دریافت که وی تمایل به عدم وحیانی بودن قرآن کریم و تأثیر پذیری قصص قرآنی از متون مقدس پیشین و فرهنگ زمانه دارد؛ از این رو با توجه به ضرورت ارزیابی و بررسی آثار قرآن پژوهان غربی به دلیل مواردی چون: جلوگیری و پاسخ‌گویی به شبهات، تسلط و کشف مبانی علمی مستشرقان و... تلاش شده است در نوشتار پیش رو، مقاله «یوسف و زلیخا» نوشته‌ی آنجلیکا نیویورت را که دارای نقاط ضعف مهم و کاستی‌های قابل توجهی است؛ با محوریت آیات شریفه سوره یوسف (ع) و دیدگاه‌های تفسیری معتبر، مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد و به این مسأله پاسخ داده شود که تا چه اندازه‌ای دیدگاه و برداشت‌های نیویورت از داستان یوسف و زلیخا با آیات قرآن کریم در سوره یوسف (ع) مطابق و سازگار است؟

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با داستان یوسف و زلیخا پژوهش‌های متفاوت و متعددی از قبیل: بررسی حوادث مربوط به یوسف و زلیخا در منابع (نعیم آبادی، حسین، مجله سخن ۱۳۸۹: شماره ۱۰) با تمرکز بر مباحث کلامی مانند: عصمت حضرت یوسف (ع)، معجزه جوان شدن زلیخا و... و همچنین مقالات دیگری مانند تطبیق روایت داستانی یوسف و زلیخا در قرآن و تورات (راد فر، ابوالقاسم؛ مجله مطالعات قرآنی ۱۳۹۳: شماره ۱۷)، نقش تربیتی داستان حضرت

یوسف (ع) و زلیخا در قرآن (خلیل زاده، الهه و همکاران، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۱۳۹۵: شماره ۳) بررسی تطبیقی داستان یوسف و زلیخا در منظومه‌های فارسی (کازمی، داریوش؛ حیدری، محمد، ادبیات تطبیقی، ۱۳۹۱: شماره ۶)، بررسی روایات تفسیری ازدواج یوسف (ع) با زلیخا (معارف، مجید و همکاران، دوفصلنامه حدیث پژوهی، ۱۳۹۴: شماره ۱۳) انجام گرفته است؛ اما نکته قابل توجه در ارتباط با مقالات مذکور این است که محوریت و انگیزه‌ی تألیف بیشتر آن‌ها تأکید بر تطبیق آموزه‌های اخلاقی و تربیتی این داستان در قرآن و کتاب مقدس، بررسی جنبه‌های ادبیات منظوم داستان یوسف و زلیخا در اشعار فارسی و مباحث حدیث پژوهی بوده است. لذا با توجه به بررسی و جستجوهای گوناگون انجام شده، در ارتباط با مقاله «یوسف و زلیخا» در دائرة المعارف «لیدن» تألیف «آنجلیکا نیورت» تا کنون هیچ گونه پژوهش مستقل یا تألیف علمی قابل ذکری که با تأکید بر آیات قرآن کریم و دیدگاه‌های مفسران، به تحلیل و ارزیابی انتقادی ابعاد مختلف مقاله یاد شده پرداخته باشد، یافت نشد؛ از این رو با توجه به ضرورت یاد شده، در نوشتار حاضر کوشش شده است به عنوان نخستین اثر و گام پژوهشی در این زمینه، به بررسی و سنجش مدخل ذکر شده با محوریت و تکیه بر آیات قرآن کریم و همچنین تفاسیر معتبر پرداخته شود.

۳. زیست شناخت

«آنجلیکا نیورت» مستشرق اسلام‌شناس آلمانی و از جمله استادان برجسته مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و ادبیات عرب و همچنین رئیس دانشکده ادبیات عرب در دانشگاه برلین است که در سال ۱۹۴۳ میلادی در شهر «نیونبرگ» آلمان به دنیا آمده است. او در سن ۲۲ سالگی (در سال ۱۹۶۵ میلادی) سفری به ایران داشته تا به عنوان آموزگار در خانواده‌ای فرانسوی خدمت کند؛ و علاقمندی او به زبان و ادبیات فارسی موجب می‌شود تا در این رشته در دانشگاه تهران ثبت نام کند؛ ولی او تنها شش ماه در ایران می‌ماند که در همین مدت زمان زبان فارسی را تا حدود زیادی می‌آموزد.

پس از بازگشت از ایران به آلمان تصمیم می‌گیرد تا مطالعاتش را در حوزه زبان و ادبیات فارسی ادامه دهد؛ اما هیچ دانشگاه یا مؤسسه آموزشی مناسبی را در این زمینه نمی‌یابد که در آن به تحصیل بپردازد، به ناچار به مطالعات زبان عربی روی می‌آورد. او زبان عربی، مطالعات اسلامی،

مطالعات و ادبیات سامی و زبان‌شناسی کلاسیک را در دانشگاه «گونیگن آلمان» و دانشگاه «اورشلیم» می‌آموزد؛ و درجه دکتری خود را در سال ۱۹۷۲ میلادی با عنوان «تحقیق در ساختار سوره‌های مکی قرآن» که شهرت بسیاری در میان قرآن‌پژوهان غرب دارد، کسب می‌کند. نیویورت بعد از اخذ مدرک دکتری سپس به دانشگاه مونیخ می‌رود و درجه دکترای علوم انسانی را نیز با موضوع ترجمه «کتابی عربی از ارسطو درباره فلسفه الهی» بدست می‌آورد (سید موسوی، ۱۳۹۹/سایت مرکز مطالعات اسلامی به زبان‌های اروپایی/ <https://clisel.com/tag/>).

معروف‌ترین استاد او در پژوهش و مطالعات قرآنی، «آنتوان اشیتالر» در دانشگاه مونیخ بوده است که از شاگردان «پرتسِل» به شمار می‌رود. از نیویورت تألیفات و آثار متعددی به چاپ رسیده است. وی در دو زمینه اصلی پژوهش، تدریس و تألیفات قابل توجه داشته است:

۱. مطالعات قرآنی و تفسیری؛

۲. ادبیات معاصر عرب، به ویژه شعر فلسطین.

مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب وی در حوزه مطالعات قرآنی کتابی است تحت عنوان «بررسی‌هایی در باب ساخت و ترکیب سوره‌های مکی قرآن» که در سال ۱۹۸۱ میلادی در شهر برلین در ۴۴۳ صفحه به زبان آلمانی تألیف شده است. که بیش از ۱۰ تن از معروف‌ترین اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان غربی چون یوزف فان‌اِس (Josef van Ess)، جان ونزیرو (John Wansbrough)، جان برتن (John Burton) بر آن نقد و معرفی‌هایی نوشته‌اند.

برخی از مقالات مهم وی عبارتند از: «درباره ساختار سوره یوسف»، «موقعیت کنونی تحقیقات قرآنی»، «سیمای تاریخی حضرت محمد (ص) در آینه قرآن»، «تصاویر و استعارات در بخش‌های آغازین سوره‌های مکی»، «ساختار ادبی سوره الرحمن»، و... که برخی از آن‌ها به زبان فارسی ترجمه یا معرفی شده است؛ از جمله:

۱. «تصاویر و استعارات در بخش‌های آغازین سوره‌های مکی» ترجمه و تلخیص از ابوالفضل خوش‌منش؛

۲. گزیده مقالات و متون درباره مطالعات قرآنی در غرب، به کوشش مرتضی کریمی‌نیا (کریمی‌نیا، ۱۳۸۰: ج ۱۴: ۶۹).

نیویورت علاوه ارائه و شرکت در بسیاری از کنفرانس‌های بین‌المللی در حوزه

پژوهش‌های قرآنی، عهده دار برخی از عناوین و اشتغال دانشگاهی از قبیل: استاد میهمان در دانشگاه اردن، بورس پژوهشی یکساله در دانشگاه مونیخ ۱۹۸۴، استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه بامبرگ به مدت ۳ سال، مدیر انجمن شرق‌شناسان آلمان در بیروت و استانبول ۱۹۹۴ — ۱۹۹۹ و همچنین استاد ثابت در دانشگاه برلین بوده است (نویورت، ۱۳۸۶: ۳۴-۸۰) وی اکنون مشاور علمی و از نویسندگان پرتلاش دائره‌المعارف لیدن است؛ که مقاله «اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن»، طولانی‌مقالات این دائره‌المعارف را تألیف نموده است. (فاضلی، محمدی، ۱۳۹۹: ۶۶).

۴. ترجمه مدخل یوسف و زلیخا

در این بخش ابتدا متن کامل مدخل یوسف و زلیخا را آورده و سپس به ارزیابی آن پرداخته می‌شود:

«اسطوره زنی که از طریق اغوا کردن مرد، شرارت را در جهان وارد کند، در قرآن وجود ندارد. حوا واسطه عصیان آدم نیست و از این رو مسئولیت گرفتاری آدم را برعهده ندارد. با وجود این، تصور رفتار فریبکارانه‌ای که ذاتی زن است، با تعبیر «کید النساء»، در قرآن تأیید می‌شود که به صورت آشکار و تمام عیار به همسر پوطیفار، کارگزار مصری که یوسف در خانه او سکنی داشت، نسبت داده شده است. اگرچه زلیخا در اغوای یوسف موفق نشد و نتوانست او را از راهش در مقام فرد برگزیده‌ی خداوند منحرف کند، به نحوی بر یوسف اعمال قدرت کرد. یوسف که از نظر جنسی به او تمایل یافته و به این ترتیب از توجه کامل به خدا منحرف شده است، فقط با مداخله‌ی خداوند قدرت می‌یابد در مقابل این زن مقاومت کند با این همه، زلیخا با قاطعیت در قرآن خوار شمرده نمی‌شود؛ بلکه برخلاف موقعیتش در کتاب مقدس، به او فرصتی برای توبه و اذعان به انحطاط اخلاقی‌اش داده می‌شود. این امر راه را برای بازگشت به مقام قبلی‌اش در متون پس از قرآن باز می‌کند و او می‌تواند به مرتبه‌ی محبوب یوسف و سپس همسرش برسد. شایسته توجه است که هرچند رفتار وی در قرآن ظاهراً اقدامی عامدانه برای «زنا» می‌تواند باشد، او عملاً متهم به چنین تخطئه‌ای از محدوده‌های تعیین شده برای آزادی زنان نیست. با نظر به تصویر مثبت زلیخا در قرآن، تعجبی ندارد که او در تصوف در مقام الگویی زنانه پذیرفته شده باشد (Maculiffe, 2001, v3:485).

۴-۱. نقاط قوت مقاله

۱. در برخی از جزئیات مقاله فوق‌الذکر، دیدگاه قرآن کریم به شکل صحیحی منعکس شده است به عنوان نمونه در ابتدای مقاله به این مطلب تصریح شده است که: «اسطوره زنی که از طریق اغوا کردن مرد، شرارت را در جهان وارد کند، در قرآن وجود ندارد. حوا واسطه عصیان آدم نیست و از این رو مسئولیت گرفتاری آدم را برعهده ندارد» (ibid) چنان که در آیات قرآن کریم دقت شود بر این دیدگاه وی تصریح شده است (طه/ ۱۲۰-۱۱۷).
۲. آنجلیکا نویورت در مقاله یوسف و زلیخا، به ظاهر تلاش نموده است رویکرد تطبیقی مبتنی بر قرآن و کتاب مقدس نسبت به داستان یوسف و زلیخا داشته باشد و در موارد محدود و جزئی توانسته است به این مطلوب دست یابد. به عنوان نمونه بیان کرده است «اگرچه زلیخا در اغوای یوسف موفق نشد و نتوانست او را از راهش در مقام فرد برگزیده‌ی خداوند منحرف کند؛ اما به نحوی بر یوسف اعمال قدرت (او را زندانی) کرد» (Maculiffe, 2001, v3:485) چنان که در قرآن کریم (یوسف/ ۳۳-۳۲) و کتاب مقدس (پیدایش، ۲۰/۳۹) به این امر اشاره شده است.

۴-۲. نقاط ضعف مقاله

۱. نسبت دادن انحراف و عدم توجه کامل یوسف (ع) به خداوند و تمایل جنسی او به زلیخا که برخلاف آیات قرآن کریم (یوسف/ ۲۴ و ۲۳) است، چنانچه می‌گوید: «یوسف که از نظر جنسی به او تمایل یافته و به این ترتیب از توجه کامل به خدا منحرف شده بود، اگرچه زلیخا در اغوای یوسف موفق نشد» (ibid).
۲. تصور و تأیید فریب‌گری ذاتی زنان چنان که گفته است: «تصور رفتار فریبکارانه‌ای که ذاتی زن است با تعبیر کید النساء در قرآن تأیید می‌شود» (ibid).
۳. تأیید نمودن فرصت توبه به زلیخا و مثبت بودن شخصیت وی از منظر قرآن کریم.

۵. ارزیابی و نقد مقاله

۵-۱. کید النساء

از جمله برداشت‌هایی که «آنجلیکا نویورت» در ابتدای مقاله‌ی یوسف و زلیخا که آن را به قرآن کریم نسبت داده، بحث «کید النساء» است به این معنا که «تمام زنان ذاتاً دارای

رفتارهای فریبگرانه هستند» را تأیید نموده است و می‌گوید: «در قرآن تصوّر رفتارهای فریبکارانه ذاتی زنان، با توجه به تعبیر «کید النساء» به صورت آشکار و تمام عیار به همسر پوطیفار، کارگزار مصری که یوسف در خانه او سکنی داشت، منسب و مورد تأیید قرار گرفته است»؛ اما نکته قابل ملاحظه این است که وی هیچ شاهدهی را برای اثبات دیدگاه خود از آیات قرآن کریم ارائه نکرده است؛ چرا که هیچ گونه تعبیری تحت عنوان «کید النساء» در قرآن وجود ندارد؛ ولی با توجه به این که مدخل فوق الذکر ناظر به داستان و زلیخا در سوره یوسف است، این احتمال را قوت می‌بخشد که آیه‌ی مد نظر وی «قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكِنَّ إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ» (یوسف/۲۸) است که براساس دیگر آیات سوره یوسف، این آیه شریفه مربوط به زمانی است که یوسف (ع) از آن مکان قصد فرار و خروج از محل گناه را گرفت، در این هنگام بود که زلیخا از پشت پیراهن یوسف (ع) را کشید و لباس آن حضرت پاره شد و این صحنه در زمانی اتفاق می‌افتد که عزیز مصر جلوی آن مکان حضور می‌یابد که به دلیل روشن تر شدن بحث، آیات مرتبط با این قضیه آورده می‌شود: «وَ اسْتَبَقَا الْبَابَ وَ قَدَّتْ قَبِيضَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ أَلْفَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ «قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي— وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَبِيضُهُ قُدٌّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»؛ «وَ إِنْ كَانَ قَبِيضُهُ قُدٌّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ» و «فَأَمَّا رَأَى قَبِيضَهُ قُدٌّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكِنَّ إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ» (یوسف/۲۸-۲۵)؛ و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در، آقای آن زن را یافتند زن گفت: «کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود». [یوسف] گفت: «او از من کام خواست و شاهدهی از خانواده آن زن شهادت داد: «اگر پیراهن او از جلو چاک خورده، زن راست گفته و او از دروغگویان است و اگر پیراهن او از پشت دریده شده، زن دروغ گفته و او از راستگویان است. پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است (عزیز مصر) گفت: «بی‌شک، این از نیرنگ شما است، که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است.

همانطور که گفته شد به نظر می‌رسد با توجه به این آیات، آنجلیکا نیورت ادعا می‌کند قرآن کریم رفتار فریبکارانه ذاتی زنان را تأیید و تصدیق نموده است.

۲-۵. وجوه اعرابی آیه ۲۸ یوسف

«فَلَمَّا رَأَى قَيْصُهُ قُدًّا مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ» (یوسف/۲۸)؛ پس چون دید پیراهن او از پشت چاک خورده است (عزیز مصر) گفت: بی شک، این از نیرنگ شما [زنان] است، که نیرنگ شما بزرگ است.

در ارتباط با فاعل «رأی» آیه شریفه دیدگاه مشهور و غالب مفسرین فریقین (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۱: ۱۴۳، طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۵: ۳۴۷، طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۲: ۱۱۷) معتقدند فاعل آن، عزیز مصر است که به همسرش زلیخا خطاب نموده است. البته بنا بر قول ضعیف و شاذ (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶: ۴۱، میدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۳۱) دیگری گفته شده مقصود از فاعل فعل «رأی» آن شاهدهی است که از نزدیکان و اهل زلیخا بوده است که در تفاسیر اقوال مختلف برای معرفی او مانند: این که آن شاهد طفل، پسر عمو، پسر دایی، و... بوده نقل شده است. (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۴: ۳۰۴) اما به نظر می‌رسد با توجه به سیاق آیات (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۲: ۵۲) این دیدگاه که گوینده این سخن آن شاهد باشد، ضعیف است و در مورد معنای کلمه «رأی» در آیه شریفه نیز دو قول گفته شده است:

۱. دیدن به معنی دیدن با چشم ظاهری بدین معنا که پیراهن یوسف (ع) پاره شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۵: ۳۴۶، اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۱۱)؛
۲. رویت به معنی علم پیدا کردن به پاره گشتن پیراهن یوسف (ع) از پشت (طوسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶: ۱۲۷، نیاوردی، ۱۴۳۱ ق، ج ۳: ۲۸).

همچنین در ارتباط با مرجع ضمیر کلمه «أنه» احتمالات گوناگونی بیان شده است:

الف: برخی گفته‌اند مقصود و مرجع ضمیر «ها» همان قضیه و درخواست نامشروعی است که بین یوسف (ع) و زلیخا اتفاق افتاده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱: ۱۴۳)؛
ب: عده‌ای دیگر بیان داشته‌اند که مرجع و مقصود از ضمیر «ها» اتهام و نسبت ناروایی (رشید رضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۲۸۸) است که زلیخا به یوسف (ع) داده است؛
به نظر می‌رسد با توجه و دقت در سیاق آیه و این که کلمه «کید» غالباً بار منفی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۷۲۸) دارد این قول صحیح‌تر است؛ زیرا در کلمه‌ی «کید» قصد زیان رساندن در آن لحاظ می‌شود و این در حالی است که زلیخا در ابتداء که شیفته یوسف (ع) بود قصد نداشت به او زیانی برساند؛ اما پس از عدم تمکین یوسف (ع) در برابر درخواست

نامشروعش او را متهم به دروغ‌گویی و نسبت ناروا کرد؛ به عبارت روشن‌تر مفهوم آیه شریفه بیانگر این است که این دروغ‌گویی و اتهام زنی تو زلیخا، برای رهایی و تبرئه خود نقشه‌ای بر گرفته از کید شما زنان است. (رجائی، ۱۳۹۴: ۶۶) و در مشخص کردن مرجع ضمیر «کُنَّ» در عبارت «کیدکن» مفسران دو دیدگاه را مطرح نموده‌اند:

۱. غالب و مشهور مفسران گفته‌اند مرجع آن، همه زنان است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱: ۱۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶: ۱۲۷؛ پانی‌پتی، ۱۴۱۲ ق، ج ۵: ۱۵۷، آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶: ۴۱۴).

۲. در مقابل قول مشهور برخی برگشت ضمیر را به زلیخا و کنیزش که او را در نقشه و برنامه‌ای که برای یوسف (ع) تدارک دیده بود و یاری می‌کرده است، دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۴۶۲؛ نسفی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۳۱۳؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۲: ۳۳۱)؛ اما به نظر می‌رسد که دیدگاه نخست با توجه ظاهر و سیاق آیه شریفه صحیح‌تر است؛ چرا اگر خطاب به زلیخا و کنیزش بود، باید با لفظ تشبیه «کَمَا» می‌آمد.

در هر صورت با توجه به این که نظرات گوناگونی در جزئیات آیه شریفه بیان شده است؛ این دیدگاه‌ها تأثیری در این نسبت و برداشت که قرآن کریم تصور فریبکارانه‌ای که مقتضای سرشت و ذاتی زنان است را تصدیق نموده؛ نخواهد داشت؛ بلکه این برداشت، نسبتی ناروا و فاقد هر گونه دلیل و شهادتی از قرآن کریم است؛ چرا اگر این مسأله مورد تأیید و تصدیق قرآن کریم می‌بود بایستی شواهد و دلیلی برای تقویت و تأیید این دیدگاه از آیات دیگر ارائه می‌شد؛ لذا هیچ یک از مفسران آیه‌ی «إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ» را خطاب مستقلاً از جانب خداوند به همه‌ی زنان تلقی و تفسیر نموده‌اند و این خطاب، صرفاً حکایت و نقل قولی از ناحیه عزیز مصر به زلیخا است که خداوند متعال آن را بیان فرموده است. (نظام الاعرج، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۴۵). و دلیلی مبنی بر تأیید و تصدیق این کلام از ناحیه خداوند بر آن وجود ندارد؛ که بتوان بر پایه آن فریب کاری ذاتی زنان را اثبات نمود؛ به عبارت دیگر این کلام، سخن عزیز مصر و قضیه‌ای شخصی، یعنی «قضیه فی الواقعة» بوده که عزیز مصر آن را در ماجرای حلیه گری و خیانت زلیخا بیان کرده است. که برخی نیز بدین مطلب نیز تصریح کرده‌اند (حیدری، ۱۳۹۶: ۱۷) لذا قلمداد کردن خطاب «إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ» به عنوان یک

قضیه‌ی حقیقه‌ای بدین صورت که فریب کاری را ذاتی و سرشت تمام زنان بدانند به هیچ عنوان صحیح نیست و صرفاً حکایت عزیز مصر از بزرگ بودن فریب کاری زنان از جمله زلیخا است (نظام الاعرج، ۱۴۱۶ ق، ج ۴: ۸۱) همانگونه که خداوند متعال در قرآن کریم در گزارش برخی آیات داستانی، صرفاً گفتگوهایی را به نقل از شخصیت‌ها در قصص قرآنی مطرح و گزارش نموده است که ممکن است به هیچ عنوان برخی از مفاهیم آن گزارش نقل شده در قرآن کریم، مورد تأیید آموزه و معارف قرآنی هم نباشد. حتی بدون این که ردیه‌ای بر آن وارد سازد. که این امر می‌تواند به دلایل وانگیزه‌های متعددی چون امانت در نقل، زیبایی‌های ادبی و بلاغی، بیان وقایع اتفاق افتاده و... در قرآن کریم منعکس شده باشد. برای نمونه می‌توان به آیاتی از قبیل سوره هود آیه ۵۴، سوره یوسف آیه ۸ و سوره کهف آیه ۸۶ و... اشاره نمود.

نکته قابل توجه دیگر آن که هیچ گونه روایتی از رسول خدا (ص)، اهل البیت (ع) و اصحاب و حتی تابعین، ناظر به مکر و فریب بزرگی که از خصوصیات ذاتی جنس و نوع زنان باشد، در تفاسیر روایی متقدم و متأخر اعم از شیعه و اهل سنت وارد نشده است؛ بنابراین نمی‌توان گفت که آیه «إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ» که خدای متعال به نقل از عزیز مصر حکایت فرموده، مربوط به همه زنان است و این تصور و برداشت که فریب کاری و مکر، عنوان و حالتی طبیعی و ذاتی برای همه زنان باشد، به هیچ وجه صحیح نیست (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۲: ۱۹۱) بلکه فریب کاری یک ویژگی و حالتی است که در هر فضایی که شرایط به کارگیری آن فراهم باشد، ممکن است هر فردی اعم از مرد یا زن با توجه به نیت و اهداف سوئی که دارند آن را عملی و اجراء کنند.

۶. انحراف و عدم توجه کامل یوسف (ع) به خداوند و تمایل جنسی او

به زلیخا

از جمله برداشت‌های دیگری که نیورت در مقاله بدان پرداخته، این است که «اگرچه زلیخا در اغوای یوسف موفق نشد و نتوانست او را از راهش در مقام فرد برگزیده خداوند منحرف کند، به نحوی بر یوسف اعمال قدرت کرد. یوسف که از نظر جنسی به او تمایل یافته و به این ترتیب از توجه کامل به خدا منحرف شده است، فقط با مداخله خداوند قدرت

می‌یابد در مقابل این زن مقاومت کند». این دیدگاه و برداشت، با ظاهر آیات شریفه سوره یوسف (ع) در تضاد است که در ادامه به نقد و ارزیابی این دیدگاه از منظر مفسران خواهیم پرداخت.

قرآن کریم در ارتباط با نقشه‌ی عملی و شیطانی که زلیخا، در ذهن خود آن را پرورانده بود می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفُحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف/۲۴) و آن زن به جد آهنگ وی کرد و (یوسف نیز) اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او را می‌کرد این چنین (خواستیم) تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان ناب برگزیده ما بود.

نکته مهم آن است با دقت نظر در جهات و صحنه‌های مختلفی که خداوند در سوره یوسف از زندگی یوسف (ع) و حوادث مربوط به وی گزارش فرموده است بدون تردید دریافت می‌شود که یوسف (ع) از همان ابتدای خردسالی به‌خاطر دارا بودن ویژگی‌های خاصی تحت نظارت و عنایت ویژه خداوند قرار داشته است؛ لذا همواره در حوادث گوناگونی چون: تصمیم بر قتل او توسط برادرانش، به چاه انداختن او، خریداری شدن به عنوان برده و به حکومت رسیدن و... مورد توجه و عنایت خاص خداوند متعال بوده است؛ اما در ارتباط با آیه شریفه فوق نظرات و وجوه مختلفی بیان گردیده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۵: ۳۴۲) که می‌توان آن‌ها را در دو دسته تقسیم بندی نمود:

۱. حضرت یوسف (ع) در این قضیه مرتکب هیچ گونه معصیت کبیره و حتی صغیره‌ای نشده است (طبرسی، بی تا: ج ۵: ۳۴۲).

۲. قول دیگر آن که یوسف (ع) قصد و اراده‌ی برآن عمل ناروا را گرفت؛ اما با مشاهده برهان پروردگار از این عمل منصرف شد، به طوری که برخی از مفسران گفته‌اند بنا بر قول منسوب به ابن عباس (طبری، ۱۱۴۱۲ ق، ج ۱۲: ۱۰۹، ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۶: ۲۵۷) عده‌ای در تفسیر و تبیین این آیه آنچنان لغزیده و سخنانی را به یوسف (ع) نسبت داده‌اند که حتی سزاوار هیچ شخص فاسقی هم نیست (زمخشری ۱۴۰۷ ق، ج ۱۸: ۴۳۹)؛ به عبارت دیگر اشکال مهمی که در سخن «نویورت» مشاهده می‌شود؛ همان برداشت غیر صحیحی است که عده‌ی قلیلی از مفسران هم در گذشته آن را بیان کرده‌اند؛ از این رو، دور از ذهن نیست که

این دیدگاه نویورت هم متأثر از روایات جعلی و اسرائیلیاتی باشد که پیرامون آیه شریفه نقل شده است و در ادامه برای روشن تر شدن بحث به توضیح آیه پرداخته می‌شود:

۱-۶. «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا»؛ در معنای کلمه‌ی «هَمَّ» دانشمندان علم لغت دو معنا را ذکر

کرده‌اند:

۱. قصد، اراده و عزم بر کاری که در نفس انسان به وجود می‌آید که اصل در این واژه همین است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۸۴۵، ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۲: ۴۷، ابن الازدی، ۱۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۷۰).

۲. به معنی حُزن و اندوه (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۳۵۷، زبیدی، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۷: ۷۶۴)

که به چند نمونه که در قرآن کریم استعمال شده است؛ اشاره می‌شود:

الف: تصمیم گرفتن بر انجام کاری مانند: آیه «إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ»

(مائده/۱۱)؛

ب: گذشتن و خطور کردن چیزی در ذهن بدون انجام و تصمیم گرفتن بر آن عمل. «إِذْ

هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَ اللَّهُ وَلِيَهُمَا» (آل عمران/۱۲۲) یعنی زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم (در ذهن) گرفتند که سستی نشان دهند.

ج: سوء قصد کردن: «وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ» (غافر/۵). کلمه‌ی «هَمَّت» که با

حرف «با» متعدی شده، در آیه به معنای این است که هر امتی قصد کرد رسول خود را، چون

عبارت «هَمَّ به» به معنی «قصد کرد آن را» آمده؛ به عبارتی بیشتر در مورد «قصد سوء» استعمال

می‌شود؛ از این رو، معنای این عبارت در آیه شریفه این است که «هر امتی قصد سوء به پیغمبر

خود کرد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۷: ۳۰۶) و در ارتباط با کلمه‌ی «هَمَّ» در آیه ۲۴ سوره

یوسف، می‌توان نظرات مختلف مفسران را چنین خلاصه نمود:

۱. همسر عزیز مصر عزم و تصمیم قطعی بر کامجویی از یوسف (ع) را گرفته بود و

یوسف (ع) هم اگر برهان پروردگارش را مشاهده نکرده بود به اقتضای غریزه جنسی و بشری

عزم بر این کار می‌گرفت؛ اما میان «هَمَّ» یعنی قصد همسر عزیز مصر و یوسف (ع) در این جا

تفاوت است، بدین معنی که قصد یوسف (ع)، مشروط بود بر شرطی که حاصل نشد یعنی

عدم وجود برهان پروردگار، ولی «هَمَّ» زلیخا به نحو مطلق بوده است و چون دارای مقام تقوا

و پرهیزکاری نبود، چنین تصمیمی را گرفت و تا آخرین مرحله بر آن اصرار نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۹: ۳۷۰)؛ از این رو، در روایتی هم از امام رضا (ع) آمده است که در مجلسی مأمون از حضرت سؤال کردند مگر نه این است که پیامبران الهی معصوم هستند؟ پس معنای این قول خدای متعال چیست؟ که فرموده است: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا اَنْ رَّاى بُرْهَانَ رَبِّهٖ» که امام (ع) در جواب فرمودند: «لَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ لَوْ لَا اَنْ رَّاى بُرْهَانَ رَبِّهٖ لَهَمَّ بِهَا كَمَا هَمَّتْ بِهٖ لَكِنَّهٗ كَانَ مَعْصُومًا وَ الْمَعْصُومُ لَا يَهْمُ بِدُنْبٍ وَ لَا يَأْتِيهٖ» یعنی اگر یوسف (ع) برهان پروردگار را ندیده بود او هم قصد او (زلیخا) را می کرد اما چون یوسف (ع) معصوم بود و معصوم هم مرتکب گناه نمی شود، لذا او را قصد نمود (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۴۱۹).

۲. «هم» یوسف و زلیخا در این آیه، مربوط به کامجویی جنسی نبوده است؛ بلکه تصمیمی برای حمله و زدن یکدیگر بوده است، چرا همسر عزیزمصر به خاطر این که در نقشه شیطانی خود شکست خورده بود، درصدد انتقام جویی از یوسف (ع) بر آمده، به قصد آسیب رساندن به او حمله کرد؛ بنابراین یوسف (ع) به خاطر دفاع از خویشتن و تسلیم نشدن در برابر کامجویی او قصد دفع حمله از خود را نمود؛ از این رو، خداوند هم با نشان دادن برهان خود به یوسف (ع) او را از کشتن (زلیخا) و درخواست کامجویی او دور نمود؛ زیرا اگر یوسف (ع) این کار می کرد با اطلاع دیگران از این قضیه او کشته یا در معرض تهمت زنا قرار می گرفت (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱: ۵۰)؛ اما به نظر می رسد که حمل نمودن کلمه «هم» به معنای «زدن و حمله کردن» به دلالتی چون عدم تصریح و اشاره لغوین، عدم توجه به سیاق، مخالفت با نص (سید قطب، ۱۴۲۵ ق، ج ۴: ۱۹۸۱) و همچنین ظاهر آیات قبلی مانند: «وَ رَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهٖ» (یوسف / ۲۳) و آیه بعدی یعنی «قَالَ هِيَ رَاوَدَّتْنِي عَنْ نَفْسِي» (یوسف / ۲۴) صحیح نباشد.

۳. برخی دیگر هم گفته اند: «یوسف (ع) با توجه به غریزه جنسی و شهوانی که خداوند در وجود افراد بشر قرار داده است، یوسف (ع) هم به اقتضای غریزه قصد آن عمل ناروا را در دل خود نمود. البته قصدی که تنها درونی بوده و از خواسته‌ی دل فراتر نرفته است». (سید قطب، ۱۴۲۵ ق: ۱۹۸۱/۴) به عبارت دیگر خداوند متعال در این آیات تصویر واقعی از مقاومت یوسف (ع) با نفسش و ضعف آن را نشان داده است، اما در نهایت خدا با نشان دادن برهان خودش او را از سقوط و گرفتار شدن در این گناه زشت باز داشت.

۴. در مقابل این نظرات، برخی از مفسران (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۲: ۱۰۹، ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۷: ۲۱۲۳) اقوال ناسازگاری با آیات قرآن کریم از دیگران بدین صورت نقل کرده‌اند که یوسف (ع) تصمیم و قصد قطعی به سوی آن کار ناپسند را گرفت؛ اما یوسف (ع) با مشاهده برهان پروردگارش از آن کار منصرف شد. در این دیدگاه ضعیف، سخنان شرم آور و غیر قابل بیان متأثر از اسرائیلیات بیان شده است (سید قطب، ۱۴۲۵ ق، ج ۴: ۱۹۸۱) که بنابر گفته برخی مفسرین (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۸: ۴۳۹) این گونه سخنان حتی به فرد فاسقی نسبت داده نمی‌شود چه آن که بتوان آن را به مقام و منزلت حضرت یوسف (ع) که بنا بر تصریح قرآن کریم او متّصف به صفاتی مانند «آتیناهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا» (یوسف / ۲۲) و «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف / ۲۴) شده است، نسبت داد!

اما نکته قابل توجه و ضروری آن است که جمله‌ی «وَ هَمَّ بِهَا» در آیه شریفه «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ» نمی‌تواند جواب و جزای «لولا» که دارای معنای شرط است، باشد؛ زیرا از جهت قواعد نحوی، جزای شرط بر خود ادات شرط مقدم نمی‌شود (حسن، بی‌تا، ج ۴: ۴۵۰) بنابراین جواب جمله «وَ هَمَّ بِهَا» نمی‌تواند جواب «لولا» باشد چرا که بر آن مقدم شده است (درویش، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۴۷۱)؛ بلکه جواب «لولا» در آیه محذوف است، که تقدیرش چنین خواهد بود: «لو لا أن رأى برهان ربه لخالطها» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۴۵۶/۲) و جمله «وَ هَمَّ بِهَا» هم معطوف بر جمله «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ» است و خود جمله «همت به» مقسم به (قسم خورده شده) برای «لام» قسم در کلمه «لقد» است؛ از این رو، جمله «وَ هَمَّ بِهَا» هم که بر آن عطف شده نیز در حکم آن خواهد بود؛ بنابراین معنای صحیحی آیه شریفه این چنین است «به خدا قسم همسر عزیز مصر قصد او را کرد و به خدا قسم او (یوسف) هم اگر برهان پروردگار خود را ندیده بود قصد او را می‌کرد». نکته مهم و ظریفی که این نظر را تأیید می‌کند، این است که آیه نفرموده است «لنصرفه عن السوء و الفحشاء» یعنی «تا او (یوسف) از سوء و فحشاء دور بگردانیم»؛ بلکه آیه شریفه می‌فرماید «لنصرفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ»؛ یعنی «این چنین کردیم تا سوء و فحشاء را از او دور بگردانیم» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱: ۱۲۸).

۶-۲. آیات مربوط به عدم کام خواهی یوسف (ع) از زلیخا

با دقت در تعبیر و عباراتی که در آیات سوره یوسف آمده است، این دیدگاه تأیید

می‌شود که یوسف (ع) هیچ‌گونه عزم و تصمیمی در جهت کامجویی از زلیخا را نداشته است. در این قسمت به نحو اختصار، آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱-۲-۶. مقام نبوت و حکمت یوسف (ع)

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۲۲) یعنی «و هنگامی که به بلوغ و قوت رسید، ما «حکم» [نبوت] و «علم» به او دادیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم!» اگر با دقت به آیات قبل و بعد از آیه شریفه فوق توجه شود روشن می‌شود که زمانی زلیخا برای عملی کردن نقشه‌ی شیطانی خود تصمیم گرفته، حضرت یوسف (ع) دارای مقام نبوت و حکمت بوده است و بعد از این آیه شریفه که مقام نبوت را برای حضرت یوسف (ع) اثبات نموده، سپس به گزارش نقشه‌ی زلیخا برای دست‌یابی و کام‌خواهی به یوسف (ع) فرموده است «وَأَوْدَتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ...» (یوسف/۲۳) ولذا با توجه به این امر که انبیاء الهی از انجام هر گونه خطاء و معصیتی مصون است، نتیجه گرفته می‌شود هیچ‌گونه تمایل و رضایتی مبنی بر اجابت درخواست شیطانی زلیخا از ناحیه یوسف (ع) وجود نداشته است.

۲-۲-۶. دور نمودن بدی و فحشاء از یوسف (ع)

«كَذَلِكَ لِنُضْرِبَ عَنْهُ الشُّوْءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف/۲۴) یعنی «این چنین کردیم تا بدی و فحشاء را از او (یوسف) دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود». بر اساس تعبیری که در این آیه شریفه به کار رفته است خداوند متعال بیان فرموده که ما هر گونه فحشاء و بدی را از یوسف منصرف نمودیم؛ بدین معنا روشن می‌شود که یوسف (ع) قصد هیچ‌گونه تمایل و کام‌خواهی از زلیخا نداشته است چرا که اگر چنین چیزی در وجود یوسف (ع) بروز می‌نمود بایستی از عبارتی مانند «لِنُضْرِبَ عَنْهُ الشُّوْءَ» یعنی این چنین او را از بدی و فحشاء منصرف نمودیم تعبیر می‌شد؛ اما خداوند متعال در ارتباط با اثبات عفت یوسف (ع) از تعبیر بلیغ «كَذَلِكَ لِنُضْرِبَ عَنْهُ الشُّوْءَ وَ الْفَحْشَاءَ» بدین معنا که ما بدی و فحشاء را از او دور گردانیدیم استفاده نموده است که این امر دلالت بر عدم تمایل یوسف (ع) به نقشه شیطانی زلیخا را می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱: ۱۲۸).

۲-۶-۳. استعاذه و پناه بردن یوسف (ع) به خداوند

«وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف/۲۳) و (زلیخا) به یوسف گفت: بیا که برای تو آماده شده‌ام. یوسف گفت: پناه بر خدا! او پروردگار من است که جایگاه مرا نیکو قرار داده است و هرگز ستمگران رستگار نمی‌شوند. در این آیه شریفه که به دنبال در خواست نفسانی زلیخا آمده است به خوبی روشن است که یوسف (ع) هیچ گونه کشش و میل درونی برای پاسخ مثبت به عملی شدن نقشه زلیخا را نداشته است؛ چرا که با توجه به آیه فوق هنگامی با درخواست زلیخا مواجه می‌شود، بلافاصله در جواب او می‌گوید «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ» یعنی به خدا پناه می‌برم و در ادامه این سخن خویش نیز به عباراتی که حاکی از مقام نبوت و حکمت وی بوده؛ بدین صورت استدلال می‌فرماید که «إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» یعنی چرا که او پروردگار من است و مقام مرا نیکو قرار داده است و هرگز ستمگران یعنی گناه کاران رستگار نمی‌شوند.

۴-۲-۶. تصریح یوسف (ع) به اقدام درخواست از ناحیه زلیخا

بعد از آن که یوسف (ع) برای دور شدن از مکان و صحنه گناه تصمیم به فرار نمودن از اتاق‌های بسته نمود پس از باز شدن درهای قفل شده، عزیز مصر را در جلوی درب اتاق مشاهده کردند زلیخا برای متهم نمودن یوسف (ع) بلافاصله گفت: «قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسَجَّنَ أَوْ غَدَابٌ أَلِيمٌ» (یوسف/۲۵) که یوسف (ع) هم برای تبرئه و رد اتهام خود از هر گونه گناهی به عزیز مصر خطاب نمودند: «قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي» (یوسف/۲۶) یوسف گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد!» و در واقع من هیچ گونه قصد سوئی را به او نداشته‌ام. به تصریح قرآن کریم در این هنگام شاهدی از نزدیکان زلیخا که براساس پاره‌ای از روایات کودکی بوده است به سخن می‌آید و سپس بی گناهی یوسف (ع) را براساس حکمش (پاره شدن پیراهن از پشت) اثبات می‌کند.

۵-۲-۶. اعتراف به عفت ورزی یوسف (ع) توسط زلیخا

بعد از انتشار خبر ماجرای در خواست زلیخا از یوسف (ع) زنان اشراف شهر شروع به سرزنش و شماتت زلیخا نمودند. این امر موجب شد که زلیخا در صدد تبرئه خود برآمده و مجلسی را تشکیل دهد و از زنانی که او را ملامت کرده بودند دعوت نمود که در آن مجلس

حضور پیدا کنند و دستور داد تا یوسف (ع) وارد مجلس بشود که در این هنگام، زنان شرکت کننده در مراسم با دیدن چهره زیبای یوسف (ع) آن چنان محو چهره‌ی او شدند که دستان خود را زخمی کردند و زلیخا در جواب شماتت آن‌ها شروع به سخن گفتن نمود که: «قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ- وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أُمِرُهُ لَيَسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَأَ مِنْ الصَّاغِرِينَ» (یوسف/۳۲) و (زلیخا) گفت: این همان است که مرا درباره او سرزنش کردید؛ آری، از او کام خواستم که خویشتنداری کرد و اگر آنچه به او فرمان می‌دهم انجام ندهد بی‌گمان به زندان افکنده می‌شود و از خوارشدگان خواهد بود. زلیخا در این شریفه تصریح می‌کند که من از یوسف (ع) در خواست نمودم؛ ولی او «فَاسْتَعْصَمَ» یعنی خویشتنداری نمود (عفت و ورزید) و درخواست مرا نپذیرفت.

۶-۲-۶. اقرار زلیخا به کام خواهی از یوسف (ع)

بعد از زندانی شدن ظالمانه یوسف (ع) توسط زلیخا به دلیل عدم تسلیم یوسف در برابر خواسته‌های نفسانی وی، یوسف (ع) بعد از تعبیر نمودن خواب پادشاه به وسیله هم‌زندانی خود، که ساقی پادشاه بود، گفت پیام من را به پادشاه برسان و از او پرسش کن و بگو «ما بَأْلِ الْبِسْوَةِ اللَّائِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ» (یوسف/۵۰) یعنی ماجرای زنانی که دستهای خود را بریدند چه بود؟ که بعد از جمع‌آوری و پرسش از زنانی که در مجلس زلیخا آمده بودند آن‌ها در جواب سؤال یوسف (ع) به پادشاه گفتند: «قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ خَصَخَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ» (یوسف/۵۱) یعنی آن زنان گفتند: «منزه است خدا، ما گناهی بر او نمی‌دانیم» همسر عزیز گفت: «اکنون حقیقت آشکار شد. من [بودم که] از او کام خواستم و بی‌شک او از راستگویان است» که با توجه به این آیه شریفه، زنان مصری و زلیخا بر عدم بی‌گناه بودن یوسف (ع) اقرار و شهادت می‌دهند که وی مرتکب هیچ معصیتی در این قضیه نشده، یوسف از راست‌گویان است.

۶-۲-۷. عدم خیانت یوسف (ع)

نکته آخر در ارتباط با عدم تمایل و اراده‌ی یوسف (ع) برای در خواست نامشروع زلیخا آن است که بعد از اقرار نمودن زلیخا و زنان مصری بر بی‌گناه بودن وی در این ماجرا

یوسف (ع) در جواب فلسفه و حکمت پرسش مورد تقاضا از زنان مصری و زلیخا چنان که قرآن کریم بیان نموده است می‌فرماید: «ذَلِكْ لِيَعْلَمَ أَتَىٰ لَمْ أُخْنُ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ» (یوسف/۵۲) یعنی این سخن را بخاطر آن گفتم تا بدانند من در غیاب به او خیانت نکردم؛ و خداوند مکر خائنان را هدایت نمی‌کند!

از این رو، از تعبیری که در آیات فوق در سوره یوسف (ع) به آن‌ها تصریح شده است می‌توان نتیجه گرفت:

اولاً: یوسف (ع) دارای مقام نبوت بوده؛ هرگز از یاد خداوند متعال غافل نشده است چرا که در زمره «مُخْلِصِينَ» بوده است چرا که به تصریح آیه شریفه «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ» (صاد/۸۲ و ۸۳) شیطان هیچ‌گونه تسلط و سلطه‌ای بر مُخْلِصِينَ نخواهد داشت.

ثانیاً: یوسف (ع) به هیچ عنوان تمایل و قصدی برای نزدیک شدن به فحشاء را نداشته است؛ از این رو، برداشتی که نیورت در مدخل یوسف و زلیخا آن را مطرح نموده است؛ به هیچ عنوان با آیات شریفه سوره یوسف (ع) قابل همخوانی و سازگاری نیست.

۷. عدم خوار شمردگی، تصویر مثبت و توبه زلیخا در قرآن

مطلب دیگری که نیورت در ادامه مقاله «یوسف و زلیخا» بیان نموده، آن است که «زلیخا با قاطعیت در قرآن خوار شمرده نمی‌شود؛ بلکه بر خلاف موقعیتش در کتاب مقدس فرصتی برای توبه و اذعان به انحطاط اخلاقی‌اش داده می‌شود»؛ در حالی که با دقت در آیات شریفه سوره یوسف (ع) و گزارش رفتارهای فریبنده و کینه ورزانه زلیخا با یوسف (ع) به هیچ عنوان چهره‌ای مثبت از او بیان نشده است، بلکه شخصیت او دارای ویژگی‌های منفی بوده که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۷-۱. کام خواهی زلیخا از یوسف (ع)

با توجه به آیات شریفه سوره یوسف زلیخا تمام درهای ورود و خروج مکانی که یوسف (ع) در آنجا حضور داشت قفل نمود تا بتواند او را طبق نقشه شیطانی که از قبل طراحی شده، به دام خود بیندازند که در این هنگام است یوسف (ع) با متوجه و روبرو شدن با این

صحنه بلافاصله به خداوند پناه می‌برد. چنانچه که آیه شریفه می‌فرماید: «وَرَأَوْنَاهُ الَّذِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف/۲۳) و آن زنی که یوسف در خانه او بود از یوسف خواست که خود را در اختیار او نهد و درها را محکم بست و به یوسف گفت بیا که برای (کامجویی) تو آماده شده‌ام. یوسف گفت: پناه بر خدا! او پروردگار من است که جایگاه مرا نیکو قرار داده است.

۲-۷. اتهام سوء و خیانت به یوسف (ع)

با اصرار شدید قصد و فضایی که زلیخا برای آلوده کردن یوسف (ع) به عمل فحشاء تدارک دیده بود، یوسف (ع) بدون هیچ گونه درنگی برای ترک محل با سرعت به سوی درهای بسته شتاب کرد، تا از فضای گناه نجات پیدا کند؛ اما در هنگام خروج یوسف (ع)، عزیز مصر با این صحنه تعقیب زلیخا و گریز یوسف (ع) مواجه شد که در این هنگام، زلیخا با چهره‌ای به ظاهر بی‌گناه به عزیز مصر رو نمود و بدون هیچ تعللی به یوسف (ع) اتهام زد و به عزیز مصر خطاب کرد: «کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟»

همان طور که آیه شریفه فرموده است: «وَ اسْتَبَقْنَا الْبَابَ وَ قَدَّتْ قَيْصَةُ مِنْ دُورِ الْأَلْفِيَا سَيْدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (یوسف/۲۵) و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند، و (آن زن) پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند. زن گفت: «کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود. با توجه در این آیه شریفه، تصویری دیگر از عمل غیراخلاقی از زلیخا یعنی اتهام به یوسف (ع) به نمایش گذاشته شده است.

۳-۷. آشکار شدن دروغ گویی زلیخا

بعد از ماجرای اتهام زدن زلیخا به یوسف (ع) بلافاصله یوسف (ع) شروع به دفاع نمودن از خویش نمود که زلیخا از من درخواست کام داشته است نه من! لذا در این هنگام، براساس آیات شریفه شاهی از نزدیکان زلیخا که در تفاسیر اقوال مختلفی (طبرسی، بی‌تا، ج ۵: ۳۴۷، طبری، ۱۱۴۱۲ ق، ج ۱۲: ۱۱۶) در مورد او به میان آمده است؛ بدین صورت شروع به سخن گفتن نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱: ۱۴۲). «إِنْ كَانَ قَيْصَةُ قَدْ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ

مِنَ الْكَاذِبِينَ وَ إِنْ كَانَ قِيضُهُ قُدًّا مِنْ ذُرِّ فَكَذَّبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (یوسف/۲۶ و ۲۷) یعنی اگر پیراهن او از جلو چاک خورده، زن راست گفته و او از دروغگویان است و اگر پیراهن او از پشت دریده شده، زن دروغ گفته و او از راستگویان است. در این هنگام، عزیز مصر با توجه به گفته شاهد متوجه شد که همسرش زلیخا به وسیله دروغ یوسف (ع) را مورد اتهام قرار داده است و در نتیجه دروغ گویی زلیخا آشکار گشته به او خطاب نمود: «إِنَّهُ مِنْ كِيدِكَ إِنْ كِيدَكَ عَظِيمٌ» (یوسف/۲۸).

۴-۷. دستور به زندانی کردن یوسف (ع)

پس از انتشار خبر خیانت زلیخا به همسرش و همچنین ملامت شدن او توسط زنان شهر، وی مجلس میهمانی را با حضور زنانی اشرافی که او را سرزنش می کردند به جهت اثبات عدم ملامتش تدارک دید. در آن مجلس مجدداً درخواست قبلی خود یعنی کامجویی از یوسف (ع) را مطرح نمود و سپس در مقام تهدید به یوسف (ع) برآمده، گفت: «وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمُرُهُ لَيَسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ» (یوسف/ ۳۲) یعنی اگر آنچه به او فرمان می دهم انجام ندهد بی گمان به زندان افکنده می شود و از خوارشدگان خواهد بود. با توجه به عبارات و آدات تأکیدی مانند: لام قسم، در عبارت «وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ» (درویش، ۱۴۱۵، ج ۲، ۸۶)، نون تاکید و لام در کلمه «لَيَسْجَنَنَّ»، لام در «لَيَكُونَا» و کلمه «الصَّاغِرِينَ» که در آیه شریفه وجود دارد این مطلب را می رساند که زلیخا بر این تصمیم و انتقام شیطانی خود از یوسف (ع) بسیار مصمم بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱: ۱۵۱)؛ از این رو، لذا در این هنگام است یوسف (ع) با توجه و تضرع به درگاه الهی پناه می برد و می فرماید: «قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِلَّا تَضْرِبْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْحَبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (یوسف/۳۳) و (یوسف) گفت: پروردگارا، زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند، و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی، به سوی آنان خواهم گرایید و از نادانان خواهم شد.

نکته مهم دیگر آن که نوپورت گفته است: «در قرآن بر خلاف موقعیتش در کتاب مقدس فرصتی برای توبه و اذعان به انحطاط اخلاقی اش داده می شود» در حالی که هیچ آیه‌ای از قرآن کریم حال به نحو صریح یا اشاره بتواند دلیل بر توبه و پشیمانی زلیخا از رفتارهایی که در گذشته انجام داده، باشد وجود ندارد و تمام روایاتی هم که در منابع روایی و کتب تفسیری

فریقین در ارتباط با مسأله ازدواج حضرت یوسف (ع) با زلیخا آمده است؛ براساس بررسی‌های سندی و محتوایی همه آن‌ها دچار ضعف و غیر قابل اعتماد است (معارف، ۱۳۹۴: ۷) و مشخص نیست نوپورت براساس کدام آیه این مطلب را بیان نموده است؟! و همچنین در هیچ جای کتاب مقدس برخلاف ادعای نوپورت، سخنی از عدم فرصت توبه به زلیخا بخاطر اعمال و رفتار ناپسندی که نسبت به یوسف (ع) انجام داده، بیان نشده است (تورات، پیدایش، ۲۳-۱/۳۹).

۸. نتیجه

۱. با بررسی‌های انجام شده، در مقاله یوسف و زلیخا تألیف آنجلیکا نویورت در دائره المعارف لیدن، مشخص شد که مقاله وی علاوه بر دارا بودن نقاط مثبت بسیار جزئی مانند: انعکاس دیدگاه قرآن کریم در موارد محدود و همچنین ارائه تطبیقی برخی جزئیات داستان یوسف و زلیخا، دارای نقاط ضعف بسیار مهم و اساسی مبتنی بر فریب‌گری ذاتی زنان، تمایل جنسی یوسف (ع) به زلیخا، غفلت یوسف (ع) از خداوند و... بوده، که آن‌ها را بدون هیچ شاهدی از آیات به قرآن کریم نسبت داده است.

۲. دیدگاه ادعایی نویورت در ارتباط با مثبت بودن چهره‌ی زلیخا از منظر قرآن کریم در مقاله مذکور، فاقد هر گونه دلیل و شاهد قرآنی است؛ زیرا در میان مباحث فوق بیان شد که براساس آیات شریفه قرآن، در سوره یوسف مانند: آیات ۲۶، ۲۷ و ۳۲ و... زلیخا علاوه بر داشتن چهره و شخصیت منفی، در هیچ آیه‌ای، حتی اشاره‌ای مبنی بر توبه و پشیمانی وی از اعمالی که در گذشته انجام داده، به میان نیامده است.

۳. با دقت در آیات شریفه قرآن کریم و آراء تفسیری معتبر، علی‌رغم برداشت نویورت، هیچ‌گونه دلیل و شاهدی که بتواند تمایلی جنسی یوسف (ع) به زلیخا و همچنین غافل شدن آن حضرت را از یاد خداوند در ارتباط با نقشه‌ی زلیخا اثبات کند، وجود ندارد؛ بلکه با توجه به نکات ادبی و بلاغی برخی آیات سوره‌ی یوسف مانند آیات ۲۳ و ۲۵ در صدد اثبات پاکدامن بودن حضرت یوسف (ع) در این قضیه هستند.

۴. با توجه و دقت در مقاله یوسف و زلیخا می‌توان دریافت علاوه بر آن که ادعاهای نادرستی چون: غفلت یوسف (ع) از ذکر خدا، تمایل وی به زلیخا و... در این مقاله وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین محور و دیدگاهی که وی در مقاله مذکور آن را دنبال نموده، اثبات انتساب فریبگری ذاتی زنان، و ارائه چهره‌ی منفی زنان از دیدگاه قرآن کریم بوده است.

۵. از جمله دستاوردهایی مهمی که در نویسندگان در این نوشتار در پی آن تلاش نموده و به آن دست یافته‌اند علاوه بر مواردی چون: رفع اتهامات وارد شده بر یوسف (ع) مبنی اثبات عدم عفت پیشگی و توجه یوسف (ع) کامل به خدا و... می‌توان به طور ویژه به

نادرست و غیر صحیح بودن دیدگاه ادعایی نویورت، مبتنی فریب گر بودن ذاتی زنان اشاره نمود. لذا این ادعای وی صرفاً یک سوء برداشت مبتنی بر آیه‌ی «قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكِنَّ إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ» در سوره یوسف بوده است که هرگز پذیرفتنی نیست؛ چرا که آیه فوق الذکر منحصرأً نقل قولی از عزیز مصر و خطابی شخصیه در قضیه فی الواقعه، به همسرش زلیخا بوده است و هیچ استدلال قرآنی و یا روایتی که دلالت بر تعمیم و سرایت دادن آیه مذکور، و همچنین انتساب و تأیید فریب کاری ذاتی همه‌ی زنان باشد وجود ندارد.

۶. با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان دریافت که منشأ اساسی برداشت‌های ناصحیح نویورت متأثر از عواملی از قبیل: عدم دقت و توجه کافی در آیات سوره یوسف، توجه ویژه به آراء تفسیری برخی از مفسران اهل سنت و رجوع نکردن به منابع تفسیری و روایی شیعه بوده است.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰). **التحریر و التنویر**. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
- ۳) ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹). **تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: نشر دار الکتب العلمیه.
- ۴) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸). **روض الجنان و روح الجنان**. مشهد: نشر آستان قدس.
- ۵) ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). **البحر المحیط فی التفسیر**. بیروت: نشر دار الفکر.
- ۶) الأزدی، ابو بکر محمد بن الحسن بن درید. (۱۴۰۷). **جمهرة اللغة**. بیروت: نشر دار العلم للملایین.
- ۷) اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳). **تفسیر شریف لاهیجی**. تهران: نشر داد.
- ۸) آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۹) پانی‌پتی، ثناء الله. (۱۴۱۲). **التفسیر المظهری**. کویته: نشر مکتبه رشديه، کویته.
- ۱۰) حسن، عباس. (بی‌تا). **النحو الوافی**. تهران: نشر ناصر خسرو.
- ۱۱) حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵). **نور الثقلین**. قم: نشر اسماعیلیان.
- ۱۲) حیدری، کمال. (۱۳۹۶). **درس خارج فقه المرء**. فایل صوتی جلسه ۱۷.
- ۱۳) درویش، محی‌الدین. (۱۴۱۵). **اعراب القرآن الکریم و بیانه**. حمص: نشر الارشاد.
- ۱۴) درّه حداد، یوسف. (۲۰۰۴). **القرآن و الكتاب**. لبنان، مکتبه البولسیه.
- ۱۵) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دار الشامیه.
- ۱۶) رجائی، مهدی. (۱۳۹۴). **فرب گری زنان در آیین قرآن و حدیث**. فصلنامه اخلاق، شماره ۱۷.
- ۱۷) رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴). **تفسیر المنار**. بیروت: دار المعرفة.
- ۱۸) زبیدی، محمد بن محمد. (۱۳۸۵). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دار الهدایه.
- ۱۹) زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دار الکتب العربی.
- ۲۰) سید قطب، (۱۴۲۵). **فی ظلال القرآن**. بیروت: دار الشروق، بیروت.
- ۲۱) صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۸۸). **ترجمان فرقان**. قم: نشرشکرانه.
- ۲۲) طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۳) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: نشر ناصر خسرو.
- ۲۴) طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). **جامع البیان عن تأویل القرآن**. بیروت: دار المعرفة بیروت.
- ۲۵) طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۹). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۲۶) فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). **التفسیر الکبیر**. بیروت: دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۲۷) فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹). **العین**. قم: نشر هجرت.

- ۲۸) فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹). **من وحی القرآن**. بیروت: دار الملائک.
- ۲۹) **کتاب مقدس**. (۲۰۱۴). ترجمه هزاره نو. تهران: نشر ایلام.
- ۳۰) کریمی نیا، مرتضی. (۱۳۸۰). **مقالات و متون مطالعات قرآنی در غرب**. تهران: نشر الهدی.
- ۳۱) مآوردی، علی بن محمد. (۱۴۳۱). **النکت و العیون تفسیر الماوردی**. بیروت: نشر دار الکتب العلمیه.
- ۳۲) محمدی، محمدحسین، فاضلی، محمدتقی. (۱۳۹۹). **نقد مقاله اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن EQ**. دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان. شماره ۲۹.
- ۳۳) معارف، مجید و همکاران. (۱۳۹۴). **بررسی روایات تفسیری ازدواج حضرت یوسف (ع) با زلیخا**. دوفصلنامه علمی. پژوهشی. شماره ۱۳.
- ۳۴) مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴). **التفسیر الکاشف**. قم: نشر دار الکتب الإسلامی، قم.
- ۳۵) مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن. (۱۴۲۳). **تفسیر مقاتل بن سلیمان**. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
- ۳۶) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**. تهران: نشر دار الکتب الإسلامیه.
- ۳۷) موسوی، سیدعلی. (۱۳۹۹). **مقاله معرفی آنجلیکا نیویورت**، سایت مرکز و کتابخانه‌ی مطالعات اسلامی.
- ۳۸) میدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). **کشف الاسرار و عدة الابرار**. تهران: نشر امیر کبیر.
- ۳۹) نسفی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۶). **مدارک التنزیل و حقایق التاویل**. بیروت: نشر دار الفرائس.
- ۴۰) نظام الاعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶). **غرائب القرآن و رغائب الفرقان**. بیروت: نشر دار الکتب العلمیه.
- ۴۱) نیویورت، آنجلیکا. (۱۳۹۰). **دائرة المعارف لیدن**، جین دمن مک اولیف. تهران: انتشارات حکمت.
- ۴۲) ----- (۱۳۸۶). **قرآن پژوهی در غرب**. مجله هفت آسمان. دوره ۹، شماره ۳۴.

43) Jane Dammen Maculiffe. (2006). *Encyclopaedia of quran(EQ)*; Leiden:Bril.

References

1. The Holy Quran.
2. Ibn Ashour, Muhammad Tahir. (1420). *Al-Tahrir wa al-Tanwir*. Beirut: Al-Tarikh al-Arabi Institute.
3. Ibn Kathir, Ismail bin Omar. (1419). *Interpretation of al-Qur'an al-Azim*. Beirut: Publisher: Al-Alami.
4. Abul Futuh Al-Razi, Hussein ibn Ali. (1408). *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Janan*. Mashhad: Astan Qods Publishing.
5. Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf. (1420). *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*. Beirut: Al-Fikr Publishing.
6. Al-Azdi, Abu Bakr Muhammad bin al-Hasan bin Duraid. (1407). *Jamharat al-Lughah*. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin.
7. Eshkavari, Muhammad ibn Ali. (1373). *Tafsir Sharif Lahiji*. Tehran: Daad Publishing.
8. Alusi, Mahmud bin Abdullah. (1415). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
9. Panipety, Sana'allah. (1412). *Al-Tafsir al-Mazhari*. Quetta: Maktabah Rushdiyah publishing.
10. Hasan, Abbas. (No Date). *Al-Nahw al-Wafi*. Tehran: Naser Khosro Publishing.
11. Huwaizi, Abd Ali bin Jumah. (1415) *Noor al-Thaqalain*. Qom: Ismailian Publishing.
12. Heidari, Kamal. (1396). *Dars Kharej in Fiqh al-Mar'*. Audio file, Session 17.

13. Darwish, Muhyiddin. (1415). *I'rab al-Qur'an al-Karim wa Bayanuh*. Homs: Al-Irshad Publishing.
14. Durrah Haddad, Yusuf. (2004). *Al-Qur'an wa al-Kitab*. Lebanon, Maktabah Al-Bolsiyah.
15. Raghīb al-Isfāhāni, Hussein bin Muhammad. (1412). *Mufradat Alfāz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Shamiyah.
16. Raja'i, Mahdi. (1394). The deceit of women in the mirror of the Qur'an and hadith. *Journal of Akhlaq*, No. 17.
17. Rida, Muhammad Rashid. (1414). *Tafsir Al-Manar*. Beirut: Dar al-Marifah.
18. Zubaidi, Muhammad bin Muhammed. (1385). *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus*. Beirut: Dar al-Hidayah.
19. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1407). *Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
20. Sayed Qutb, (1425). *Fi Zilal al-Quran*. Beirut: Dar al-Shorūq, Beirut.
21. Sadiqi Tehrani, Muhammad. (1388). *Tarjuman Furqan*. Qom: Shokraneh publishing.
22. Tabatabai, Seyed Muhammad Hussein. (1390). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: The Institute of Al-Alami for Press.
23. Tabarsi, Fazl ibn Hasan. (1372). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow Publishing.
24. Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1412). *Jami al-Bayan an Tawil al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marifah.
25. Tusi, Muhammad bin Hasan. (1419). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
26. Fakhr Al-Razi, Muhammad bin Omar. (1420). *Al-Tafsir al-Kabir*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
27. Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1409). *Al-Ain*. Qom: Hijra Publishing.
28. Fadlullah, Muhammad Hussein. (1419). *Min Wahy al-Quran*. Beirut: Dar al-Malak.
29. *Kitab Moqaddas*. (2014). Translated by: Hezareh Now. Tehran: Ilam Publishing.
30. Kariminia, Morteza. (1380). *Articles and texts of Quranic studies in the West*. Tehran: Al-Huda Publishing.
31. Mawardi, Ali bin Mohammed. (1431). *Al-Nukat wa al-Uyun (Tafsir Mawardi)*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
32. Mohammadi, Mohammad Hossein, Fazeli, Mohammad Taghi. (1399). Criticism of the article titled Myths and Stories in the Qur'an EQ. *Two Quranic Quarterly of Quranic Studied*. No. 29.
33. Maaref, Majid et al. (1394). Investigating the Interpretive Hadiths about the Marriage of Prophet Yusuf (AS) and Zulaikha, *Scientific two quarterly. Research*. No. 13.
34. Mughniyah, Muhammad Jawad. (1424). *Tafsir al-Kashif*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
35. Muqatil bin Suleiman, Abul Hasan. (1423). *Tafsir Muqatil ibn Suleiman*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
36. Makarem Shirazi, Nasir. (1371). *Tafsir Nomooneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
37. Mousavi, Seyed Ali. (1399). Article of Introducing Angelika Neuwirth. *Website of Islamic Studies Center and Library*.
38. Meybodi, Ahmad bin Muhammad. (1371). *Kashf al-Asrar wa Uddat al-Abrar*. Tehran: Amir Kabir Publishing.
39. Nasfi, Abdullah bin Ahmad. (1416). *Madarik al-Tanzil wa Haqaiq al-Tawil*. Beirut: Dar Al-Nafais Publishing.
40. Nizam al -Araj, Hasan bin Muhammad. (1416). *Gharaib al-Qur'an wa Raghāib al-Furqan*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
41. Neuwirth, Angelika. (1390). *Leiden Encyclopedia, Jane Damman McAlif*. Tehran: Hekmat Publications.
42. ----- (2007). *Quran Pajuhi dar Gharb [Quranology in the West]*. *Seven Heavens Magazine*. Seri 9, No. 34.